

تجارت و فقر

سیدحسین میرجلیلی
(دانشیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی)

۱- مقدمه

سوم: فقرا دارای پیوند نزدیک با اقتصاد رسمی نیستند و عموماً در بخش غیررسمی شهری یا در کشاورزی معیشتی روستایی قرار دارند. چهارم: فقرا نوعاً دارای نفوذ سیاسی اندکی هستند و لذا دارای شانس اندک یا بدون شانس برای اثرگذاری بر راهی هستند که اصلاحات تجاری هدایت می شود.

پیوند میان تجارت و فقر زمینه جدید مطالعه در ادبیات تجارت بین الملل است. هرچند تحقیقات اولیه در این مورد آغاز شده است ولی هنوز تحقیقات نظری و تجربی زیادی باید انجام شود. این اجماع وجود دارد که پیش شرط اساسی برای کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی سریع می باشد و رژیم تجاری شفاف و باز، زمینه رشد پایدار و گسترده را فراهم می کند. بنابراین در میان مدت، اصلاح تجاری دارای نقش مهمی در کاهش فقر از طریق تأثیر بر نرخ و الگوی بخشی رشد است. در کوتاه مدت، اصلاح تجاری می تواند دارای اثرات توزیع مجددی بر درآمد باشد که می تواند به فقرا صدمه زند. هرچند اصلاحات تجاری می تواند درآمدهای متوسط را در میان مدت افزایش دهد، در کوتاه مدت برخی اجزای جامعه ممکن است زیان هایی ببینند، چون فقرا یا شبه فقرا برای حمایت از خود طی دوران سختی اقتصادی دارای دارایی های کمتری هستند و در مقایسه با سایر بخش های جامعه، کمتر قادر هستند هزینه های تعدیل را تحمل کنند.

۳- رابطه آزادسازی تجاری و فقر

اغلب اقتصاددانان بر این باورند که در درازمدت، اقتصادهای باز عملکرد بهتری از اقتصادهای بسته دارند و سیاست های نسبتاً باز نقش زیادی در توسعه دارد. با این حال بسیاری از مفسران نگران هستند که در کوتاه مدت، رژیم های باز موفق ممکن است برخی مردم را در فقر بجای گذارند. آزادسازی بنا به ماهیتش دلالت بر تغییر دارد و بنابراین اثرات توزیعی بدنبال خواهد داشت، اما تا چه اندازه احتمال دارد فقرا از اثرات مضر آزادسازی تجارت آسیب ببینند؟ ابهام در مورد رابطه تجارت و فقر تا حدی ناشی از ناهمگنی فقر است. دلایل بسیاری برای فقیر بودن وجود دارد. حتی خانوارهای فقیر تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. لذا بخش مهم هر تحلیلی باید ویژگی های متفاوت فقرا شامل اطلاعات مربوط به مصرف، فعالیت های شغلی و تولید فقر را شناسایی کند. همچنین نوع اصلاحات تجاری و محیط اقتصادی نیز باید بررسی شود. هیچ نتیجه عمومی ایستای مقایسه ای در این باره وجود ندارد که آزادسازی تجاری، فقر را کاهش یا افزایش می دهد. تعمیم نتایج موردی به تمامی کشورهای غلط است. یک جنبه مهم هر تحلیلی از فقر، تعریف و اندازه گیری خود فقر است. فقر پدیده ای پیچیده و چندبعدی است و مناقشه زیادی در ادبیات اقتصادی درباره تعریف و اندازه گیری آن وجود دارد. با این حال اکثر ادبیات اقتصادی تجربی درباره فقر، به ویژه در ارتباط با موضوع تجارت و فقر، درآمد مطلق یا اندازه گیری مصرف را برگزیده اند. البته باید به تفاوت میان فقر و نابرابری توجه داشت. از آنجا که آزادسازی تجاری گرایش به افزایش فرصت ها برای فعالیت اقتصادی دارد، می تواند به آسانی نابرابری درآمدی را افزایش دهد، در حالیکه در همان زمان، فقر کاهش می دهد. (۱) شواهد مربوط به رابطه آزادسازی تجاری و فقر به موارد زیر تقسیم می شود:

۲- تعریف فقر و فقرا

ساده ترین تعریف مربوط به فقر، فقیر را کسی می داند که به منابع اقتصادی دسترسی ناکافی داشته باشد تا بتواند به کالاهای کافی برای تأمین نیازهای اساسی دست یابد. این تعریف به طور ضمنی متکی به ایجاد یک سطح درآمد - مخارج است که برای بدست آوردن سبیدی از کالاها که نیازهای اساسی را برآورده سازد، (یعنی خط فقر) ضروری است. این تعریف سنتی بسیاری از جنبه های اجتماعی و مشارکتی فقر را نادیده می گیرد. سایر ویژگی های فقر که در ارتباط با اثر اصلاح تجاری بر فقر اهمیت دارد عبارتند از:

اول: فقرا عمدتاً فاقد سرمایه انسانی، مالی و فیزیکی هستند و بنابراین در مقابل نوسانات اقتصادی یا تغییر ناگهانی در محیط اقتصادی (که از اصلاح تجاری به وجود می آید) آسیب پذیری بیشتری دارند.

دوم: شواهدی از جابجایی خانوارها به داخل و خارج از فقر وجود دارد. تا جایی که سیاست تجاری بر تعیین کننده های این جریان اثر می گذارد، اثری بر تعداد فقرا خواهد داشت. شوک های شدید می تواند فقر موقت در داخل را به پدیده ای دائمی تبدیل کند. حتی از دست دادن موقتی درآمد می تواند سبب شود فقرا فرصت برای کسب سرمایه انسانی از طریق آموزش، مراقبت بهداشتی و تغذیه را از دست بدهند و لذا بر توانایی آن ها برای خروج از فقر در آینده اثر می گذارد.

۳-۱- رشد اقتصادی و ثبات

در درازمدت کلید کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی است. این مطلب به طور گسترده ای توسط اقتصاددانان و متخصصان توسعه پذیرفته شده است. اما موضوع مناقشه برانگیز رابطه میان بازبودن بیشتر و رشد اقتصادی است.

ممکن است کاملاً به بازارهای داخلی واسطه‌ای یا نهادی منتقل نشود. در نهایت اگر زیرساخت کافی موجود نباشد و کانال‌های توزیع وجود نداشته باشند، آنگاه مناطق معین یا بازارهای معین (آنهم جایی که فقرا ساکن هستند) از اثرات آزادسازی تجاری کاملاً دور نگه داشته می‌شوند. "دامنه تجارت" یعنی تعداد محصولات یا بازارهایی که انتظار می‌رود از آزادسازی اثرپذیرند می‌تواند با شوک قیمتی مرتبط باشد. هر قدر دامنه تجارت، وسیعتر باشد، محصول بیشتر و بازارها و عوامل اقتصادی بیشتری باید طبق آن تعدیل شود. بنابراین اگر هزینه‌های تعدیل بر عوامل مختلف و بازارهای مختلف، پخش شود، هزینه بازار کاهش می‌یابد.

۷-۳- درآمد دولت و برنامه‌هایی برای فقرا

دغدغه عمومی این است که اصلاح تجاری منجر به درآمد پایین‌تر دولت می‌شود، چون مالیات‌های تجاری کاهش یافته یا حذف می‌شوند. از این رو بر توانایی دولت جهت تأمین مالی برنامه‌های حمایت از فقرا تأثیر منفی می‌گذارد. برای حفظ ثبات اقتصاد کلان، دولت‌ها ممکن است مخارج اجتماعی را کاهش دهند یا مالیات‌های جدیدی را به اجرا درآوردند که می‌تواند بر فقرا اثر گذارد. با این حال باید دانست که آزادسازی تجاری بسته به اصلاحات معرفی شده و شرایط خاص آن کشور می‌تواند دارای اثر مثبت و منفی یا خنثی بر درآمد دولت باشد. تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای و حذف معافیت‌های تعرفه‌ای عموماً درآمدها را افزایش می‌دهد. به طور مشابه اگر تعرفه اولیه بالا باشد، کاهش آن می‌تواند نتیجه‌اش ایجاد جریانات تجاری بیشتر باشد که درآمد را افزایش می‌دهد. کاهش تعرفه‌های بالا، انگیزه برای قاچاق و فساد مالی را کاهش می‌دهد که آنهم به نوبه خود می‌تواند حجم تجارت ثبت شده در گمرکات را افزایش دهد و بر درآمد دولت بیافزاید. سرانجام ساده سازی رژیم تعرفه‌ای به ساختاری متحدالشکل با فقط چند نرخ تعرفه، می‌تواند از طریق افزایش شفافیت و ساده سازی سازمان اجرایی مالیات، درآمد مالی دولت را افزایش دهد. اصلاحات تکمیلی مانند اقتصاد کلان حمایت‌کننده و سالم و سیاست‌های مناسب نرخ ارز می‌تواند منجر به نرخ‌های بالاتر رشد و افزایش حجم تجارت شود که آنهم به نوبه خود می‌تواند کاهش درآمد ناشی از تعرفه پایین‌تر را خنثی کند. شفافیت و حکمرانی خوب نیز به بازتر شدن اقتصاد کمک می‌کند و لذا نفع بیشتری از تجارت می‌برد. تا آنجا که کاهش تعرفه‌ها منجر به کاهش درآمد دولت ناشی از مالیات‌های تجاری شود، اصلاحات مالیاتی (خصوصاً حرکت به سمت پایه مالیاتی وسیعتر و مالیات‌های کمتر اختلال‌زا) یا محدودیت مخارج می‌تواند به منظور حفظ ثبات اقتصاد کلان لازم باشد. در این زمینه اصلاحات مالیاتی داخلی (شامل حرکت به سمت مالیات‌های پایه وسیعتر) و اندازه گیری مخارج باید به گونه‌ای طراحی شود که اثرات مضر آن‌ها بر فقرا را حداقل سازد.

۸-۳- سرمایه‌گذاری، نوآوری و رشد

یک عامل مهم در کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی است مشروط بر آن که در آن فقرا مشارکت داشته باشند. یکی از کانال‌های اصلی که اصلاحات تجاری بر رشد اثر می‌گذارد، به وسیله کاهش اقدامات ضدصادراتی سیاست تجاری و اقدامات منجر شونده به تخصیص کارا تر منابع است. در درازمدت آزادسازی تجاری می‌تواند بر نرخ رشد اقتصاد از طریق اثر بر سرمایه‌گذاری (مثلاً برای تولید تعداد بیشتر کالاها) و نوآوری تأثیر گذارد. علاوه بر آن اصلاح تجاری معمولاً با جریانات بیشتر FDI همراه است که دارای سرایت فناوری، اقدامات جدید و کسب و کار و سایر اثرات بر بنگاه‌های داخلی است که سطح کلی بهره‌وری و رشد را افزایش می‌دهد. باید توجه داشت که اثر گذاری اصلاح تجاری بر رشد بستگی به سایر

سیاست‌های ساختاری و اقتصاد کلان مکمل بستگی دارد. مثلاً ارزش گذاری بیش از حد نرخ ارز مانع مهمی برای رشد است. اصلاح تجاری بدون سیاست‌های نرخ ارز و اقتصاد کلان مناسب برای بهبود توان رقابت، اثر کمتری در ارتقای رشد دارد. لذا یک بسته اقتصادی سازگار برای اصلاح تجاری و سایر تدابیر ساختاری جهت تسریع تعدیل و رشد ضروری است. اما حتی وقتی چنین سیاست‌هایی منجر به رشد می‌شود دغدغه‌ای که غالباً مطرح می‌شود این است که سیاست‌های تجاری باز می‌تواند منجر به الگویی از رشد شود که به طور نامتناسبی به اغنیاء نفع می‌رساند، و لذا توزیع درآمد را بدتر می‌کند.

۹-۳- آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های منفی خارجی

آزادسازی تجاری اقتصاد را بازتر می‌کند و ادغام اقتصاد در بقیه جهان را تسریع می‌کند. اقتصاد باز، به تنوع صادرات کمک می‌کند و منجر به بروز مزیت‌های نسبی می‌شود تا کمتر به بازارهای صادراتی واحد یا محصولات صادراتی محدود وابسته باشد. علاوه بر آن ادغام در بازارهای خارجی به اقتصاد ملی کمک می‌کند ریسک را متنوع سازد، به گونه‌ای که رکود اقتصاد داخلی با رشد اقتصاد بین‌المللی خنثی می‌شود. با این حال باز بودن می‌تواند اقتصاد را در مقابل شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرتر کند، مانند تغییرات ناگهانی رابطه مبادله که می‌تواند اثر مهمی بر رشد بجای بگذارد. اگر شوک‌ها بر بخش‌های معین مانند کشاورزی یا تولید غیر رسمی به طور مستقیم، اثر می‌گذارد می‌تواند بر فقرا تأثیر زیادی داشته باشد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقتصادهای بازتر، در مقابل شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرترند؟

پاسخ این است که شواهدی وجود دارد که هر چند اقتصادهای بازتر سریعتر رشد می‌کنند، ولی اقتصادهای بازتر از شوک‌های بزرگتر رابطه مبادله رنج می‌برند که نتیجه اش بی ثباتی نرخ‌های رشد اقتصادی است. به هر اندازه سیاست‌های تجاری در باز بودن نقش داشته باشند، می‌توانند منجر به بی ثباتی بیشتر در اقتصاد کلان شوند. همچنین شواهدی وجود دارد که بی ثباتی بیشتر اقتصاد کلان بر فقرا به طور نامتناسبی اثر می‌گذارد. شوک‌های اقتصاد کلان می‌تواند دارای اثر غیرقابل برگشتی بر سرمایه انسانی فقرا باشد چون بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آموزش، تغذیه و بهداشت آن‌ها اثر می‌گذارد.

۴-۳- سیاست‌های تجاری برای کاهش فقر

هر چند موانع تجاری، درآمد را افزایش می‌دهد ولی برندگان و بازندگان به وجود می‌آورد. مثلاً آزادسازی بخش واردات نوعاً درآمد واقعی را از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان توزیع مجدد می‌کند. با کاهش قیمت برخی نفع می‌برند ولی سایرین زیان می‌بینند. چگونه می‌توانیم از سیاست‌های تجاری برای کاهش فقر استفاده کنیم؟ پاسخ آن مدیریت آزادسازی تجاری است. به عبارت دیگر پیروی از "سیاست تجارت مدیریت شده" است.

یک پاسخ به ترس از اینکه آزادسازی تجاری می‌تواند سبب فقر شود آنست که این کار را انجام ندهید. اما، این پاسخ رضایت بخش نیست. رودریگ و رودریگ (۲۰۰۱) مطرح کرده‌اند که مطالعات مربوط به اثرات آزادسازی بر رشد اقتصادی در اندازه گیری باز بودن نقص دارند - خصوصاً چون آن‌ها درون‌زا هستند و همچنین اقتصادسنجی آن‌ها ضعیف است. اما رودریگ و رودریگ استدلال نکرده‌اند که آزادسازی تجاری برای رشد مضر است. هر چند سیاست‌های تجاری لیبرال احتمالاً سودمند است (چون مجموعه فرصت‌ها را گسترش می‌دهد) یک اثر شبه دایمی بر رشد نیازمند ترکیب با سایر سیاست‌های خوب است. نکته اخیر مکرراً توسط IMF و WB در توصیه‌های سیاستی‌شان ذکر شده است. حلقه واسطه میان فقر - باز بودن مربوط به رابطه

۴-۳- مخارج و درآمد دولت

اصلاحات تجاری به دلیل کاهش تعرفه‌ها می‌تواند درآمد دولت را کاهش دهد. از سوی دیگر کاهش تعرفه‌ها یا حذف معافیت‌های تعرفه‌ای می‌تواند عواید دولت را افزایش دهد.^(۹۹)

یکی از نگرانی‌های مربوط به آزادسازی تجاری این است که درآمد دولت را کاهش خواهد داد. زیرا بسیاری از کشورهای کم درآمد، نیمی یا بیش از درآمدشان را از مالیات بر تجارت بدست می‌آورند.

بنابراین نتیجه کلی ساده‌ای درباره رابطه میان آزادسازی تجاری و فقر وجود ندارد. نظریه مرسوم این است که آزادسازی تجاری تخفیف‌دهنده فقر در درازمدت و به طور متوسط است. شواهد تجربی در حد وسیعی از این دیدگاه حمایت می‌کند و خصوصاً هیچ حمایتی از این موضع ندارد که آزادسازی تجاری عموماً دارای اثر زیانباری است. با این حال تأکید نمی‌کند که سیاست تجاری همواره مهم‌ترین تعیین‌کننده کاهش فقر است یا اینکه اثرات آزادسازی برای فقرا همواره سودمند خواهد بود. آزادسازی تجاری باعث تغییرات توزیعی می‌شود و ممکن است رفاه برخی از مردم (دست کم در کوتاه مدت) را کاهش دهد و برخی از اینها می‌توانند افراد فقیر باشند.

بنابراین در حالیکه علل زیادی برای این خوشبینی وجود دارد که آزادسازی تجاری به طور مثبت در کاهش فقر نقش دارد، نتیجه نهایی به عوامل بسیاری از جمله نقطه آغاز آن و نوع اصلاحات تجاری انجام شده بستگی دارد. هر چند ابهام درباره پیوندهای میان تجارت و رشد وجود دارد ولی شواهد قوی برای تأثیر سودمند آزادسازی تجاری بر بهره‌وری وجود دارد.

سه ملاحظه زیر درباره اثر آزادسازی تجاری بر فقر باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً: تأثیر آزادسازی تجاری بر فقر بستگی به محیطی دارد که در آن آزادسازی تجاری انجام می‌شود، از جمله سیاست‌هایی که مکمل آن است. آزادسازی تجاری نباید به طور جداگانه دیده شود و سیاست‌های تکمیلی برخی اوقات مورد نیاز خواهد بود تا اثر آزادسازی، از جمله بر فقر افزایش یابد. البته نوع سیاست‌های تکمیلی به شرایط آن کشور بستگی دارد.

ثانیاً: شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه خانوارهای فقیر ممکن است کمتر قادر باشند در مقابل اثرات زیان بار از خودشان حمایت کنند یا از فرصت‌های مثبت ایجاد شده به وسیله اصلاح سیاستی استفاده کنند. در چنین شرایطی سیاست‌های مکمل نقش زیادی در همراهی اصلاح تجاری دارند، هم جهت تقویت حمایت اجتماعی برای ضرر کنندگان و هم جهت ارتقای توانایی خانوارهای فقیرتر برای بهره‌برداری بالقوه از تغییرات سودمند.

ثالثاً: هر چند آزادسازی تجاری ممکن است مکانیزم مستقیمی برای پرداختن به فقر در یک کشور نباشد، ولی یکی از آسانترین راه‌ها برای تغییر دادن است، در حالیکه بسیاری از سیاست‌های مفید برای فقرا از لحاظ اجرایی پیچیده و پرهزینه هستند، اجرای روش‌های اصلاح تجاری - کاهش تعرفه و یکسان سازی آن‌ها و حذف موانع غیر تعرفه‌ای - آسان هستند و غالباً منابع را حفظ می‌کند. بنابراین اصلاح تجاری یکی از مقرون به صرفه‌ترین سیاست‌های ضد فقر موجود برای دولت‌هاست. همچنین آزادسازی تجاری می‌تواند یک جزء مهم راهبرد توسعه نافع برای فقرا^(۲۰) باشد.

۵-۳- تغییرات قیمت و توان دسترسی به واردات و صادرات

با تغییر قیمت کالاها قابل تجارت (یعنی از طریق کاهش قیمت واردات برای مصرف کنندگان و تولید کنندگان فقیر و افزایش قیمت‌های صادرات برای تولید کنندگان فقیر) و بهبود دسترسی به محصولات جدید. آزادسازی تجاری با کاهش قیمت کالاها و وارداتی و پایین نگه داشتن قیمت کالاها و جانشین کالاها و وارداتی، درآمد واقعی فقرا را افزایش می‌دهد.

محصولات وارداتی شامل مواد غذایی اساسی، دارو و سایر محصولات بهداشتی و پزشکی، لباس و ... می‌تواند برای فقرا نیز مهم باشد. همچنین اگر فقرا تولید کنندگان آن کالا برای صادرات باشند از این تغییرات منتفع می‌گردند. یک رژیم تجاری باز امکان واردات فناوری و فرآوری را فراهم می‌کند. این‌ها به فقرا کمک می‌کند، مثلاً فناوری بسته‌بندی مواد غذایی فاسد شنی، مواد شیمیایی برای ضد عفونی کردن آب یا بذر اصلاح شده و واردات انواع کود برای فقرا مفید است. آزادسازی تجاری می‌تواند همچنین برنامه‌های ضد فقر و سیاست‌های اجتماعی اجرا شده به وسیله دولت یا سازمان‌های غیردولتی را با در اختیار گذاشتن محصولات و فناوری‌های مورد استفاده در این برنامه‌ها به طور عمومی تر و ارزان تر تسهیل کند.

۶-۳- قیمت عوامل، درآمد و اشتغال

با تغییر قیمت نسبی عوامل (نیروی کار ماهر و غیر ماهر و سرمایه) استفاده شده در تولید کالاها قابل تجارت و اثر گذار بر درآمد و اشتغال فقرا. انتقال منابع میان صنایع که غالباً همراه آزادسازی تجاری صورت می‌گیرد، می‌تواند اثرات مهمی بر دستمزدها و اشتغال داشته باشد. این اثرات هم بر بخش‌های خاص یا صنایع خاص است و هم دارای اثرات گسترده در اقتصاد باشد که تأثیر گذاری بر بخش‌های خاص را تشدید می‌کند یا تخفیف می‌دهد. **اثرات خاص بخشی:** نظریه سنتی تجارت به قضیه استالپر - ساموئلسن برای پیش بینی نتایج آزادسازی تجاری بر درآمد عوامل تولید متکی است. قضیه استالپر - ساموئلسن پیش بینی می‌کند که افزایش قیمت نسبی یک کالا منجر به افزایش بازدهی واقعی عامل به کار رفته به طور وافر در تولید آن کالا می‌شود. لذا برای کشور در حال توسعه با ساختار تولیدی کاملاً حمایت شده، آزادسازی تجاری نتیجه اش افزایش قیمت نسبی محصولات کار بر غیر ماهر خواهد بود (چون وقتی موانع تجاری برداشته شود واردات محصولات سرمایه بر یا کاربر ماهر نسبتاً ارزان می‌شود) و همچنین بازار محصولات کار بر گسترش می‌یابد متعاقب آن دستمزد واقعی برای کارگران غیر ماهر افزایش می‌یابد. لذا تقاضای نیروی کار غیر ماهر افزایش پیدای می‌کند که منجر به بازدهی بالاتر برای نیروی کار غیر ماهر می‌شود. طبق قضیه استالپر - ساموئلسن، آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه باید کارگران غیر ماهر بیشتری به سوی اشتغال بکشاند و دستمزد واقعی آن‌ها را افزایش دهد.

در حالیکه این نتیجه نظریه عمومی تجارت است ولی متکی به فروض خاص درباره فناوری، بازار کار و تعداد محصولات و عوامل تولید می‌باشد. در عمل، این فروض محدود کننده تقریباً همواره نقض شده است، مثلاً اگر صرفه‌های مقیاس در صنایع سرمایه بر وجود داشته باشد، یا اگر نیروی کار میان تمامی بخش‌ها به طور کامل متحرک نباشد، در این حالت اثرات اصلاح تجاری بر توزیع درآمد عموماً قابل پیش بینی نخواهد بود.

علاوه بر آن قضیه استالپر - ساموئلسن به تغییرات در توزیع کارکردی درآمد اشاره می‌کند که ضرورتاً به طور مستقیم مرتبط با تغییرات در درآمد خانوارها نیستند.

اثرات سراسری اقتصاد: به طور کلی آزادسازی تجاری می‌تواند شوکی به اقتصاد وارد کند که از تغییر قیمت‌های نسبی بوجود می‌آید، اشاعه این شوک در اقتصاد بستگی به ساختار بازار، زیر ساخت، خصوصاً در خدمات توزیعی و پیوندهای اقتصادی و نهادی میان بازارها و همچنین واکنش عوامل اقتصادی دارد. اشاعه شوک‌های قیمتی در طول کانال‌های توزیع بستگی به ساختار بازار کالاها مورد نظر و همچنین بازار برای خدمات توزیعی دارد. اگر در هر مرحله‌ای سیطره انحصارات بر آن‌ها وجود داشته باشند (مانند انحصارات توزیع دولتی)، آنگاه کاهش قیمت ناشی از آزادسازی تجاری

توسعه‌اند و همان پدیده در مورد آزادسازی تجاری مطرح می‌شود. وجود بازارهای اعتباری برای استخدام نیروی کار فصلی نفع برنده که ممکن است در نتیجه آزادسازی تجاری، بیشتر شود. به طور مشابه افزایش ارتباطات میان بازارها به رفع شوک‌های قیمتی منجر می‌شود و هزینه‌های تعدیل فقر را آسان خواهد کرد.

- تسهیل بازارها: تسهیل بازارها درگیر تنظیم کافی بازارها و رفع انحصارها (مانند انحصارات تجارت دولتی) است که ممکن است اثر مضر بر فقر داشته باشد یا مانع کسب منافع آزادسازی تجاری شود. اما شاید مهمتر از آن برای فقرا عبارت از حمایت اضافی است که آن‌ها ممکن است نیاز داشته باشند، مانند کمک فنی، گسترش خدمات کشاورزی، اقدام تجاری و سایر زمینه‌هایی که سبب شود آن‌ها بتوانند از فرصت‌های جدید بازار منتفع گردند. - توسعه بازارهای اعتباری نیز بخش مهمی از این تسهیل برای تدارک نهاده‌های مهم در ایجاد فعالیت‌های بازاری است.

- جابجایی نیروی کار و آموزش: چسبندگی‌های بازار کار می‌تواند توانایی فقرا برای جابجایی در مشاغل را محدود سازد. در نتیجه نمی‌توانند از فرصت‌های جدید بازار منتفع شوند، در حالیکه در همان زمان هزینه‌های آزادسازی تجاری را حداقل می‌سازد. تکه‌تکه شدن بازار یکی از توضیح‌های اصلی داده شده برای این واقعیت است که منافع حاصل از آزادسازی تجاری و در حد انتظار، در هند و بنگلادش گسترده نبوده است. آموزش کارگر و کمک به کارگر می‌تواند همچنین ابزار مهمی برای تسهیل انتقال فقرا از اشتغال در بخش‌هایی باشد که از آزادسازی تجاری رنج می‌برند به بخش‌هایی که فقرا از آن نفع می‌برند.

۴-۲-۴- تعاقب و اعتبار

برای موفقیت آزادسازی تجاری نیاز به تعاقب آزادسازی میان بخش‌های مختلف در سرعت‌های متفاوت وجود دارد تا هزینه‌های تعدیل بهبود یابد. این اقدام می‌تواند منافع آزادسازی را به تعویق اندازد، علی‌الخصوص می‌تواند برای بخش‌های یا بازارهایی درست باشد که آزادسازی اثر زیادی بر قیمت‌ها داشته باشد یا تعدیل مشکل است و می‌تواند زمان زیادی ببرد. مثلاً در نفتا (موافقت‌نامه تجارت آمریکای شمالی)، آزادسازی ذرت ۱۰ سال به تأخیر افتاد و مرحله بندی شد تا به کشاورزان مکزیکی که وابسته به این محصول هستند فرصت کافی برای انطباق داده شود. دوره‌های طولانی تعدیل در اینموارد ضروری است زیرا تفاوت قیمتی میان ذرت داخلی مکزیکی (با حمایت طولانی) و صادرات ذرت آمریکا بسیار زیاد بود. علاوه بر آن اصلاحات تجاری باید مرحله بندی شود و به تدریج اجرا شود اگر عاملان اقتصادی نیاز به زمان بیشتری برای تطبیق به محیط جدید داشته باشند. یک شرط مهم برای اجرای دوره‌های طولانی تعدیل برای آزادسازی بخش‌های حساس، تعهد معتبر دولت به اصلاح تجاری است. اگر تعهد دولت به اصلاح معتبر نباشد، آنگاه ایجاد دوره‌های تعدیل طولانی فرصت زیادی برای طرف‌های متأثر فراهم می‌کند تا در جهت معکوس نمودن اصلاحات برنامه‌ریزی شده اقدام کنند. اگر دولت متعهد به اصلاحات نباشد، آنگاه عوامل اقتصادی ممکن است انگیزه‌های برای تطبیق با اصلاحات تجاری نداشته باشند.

۴-۲-۵- شبکه‌های ایمنی اجتماعی

حتی بهترین اصلاح تجاری طراحی شده، برندگان و بازندگانی خواهد داشت. به منظور تخفیف اثرات مضر کوتاه‌مدت بر فقرا، کشورهای در حال توسعه نیاز به شبکه‌های ایمنی اجتماعی دارند. تدابیر شبکه‌های ایمنی بالقوه می‌تواند شکل:

۱- یارانه‌های هدفمند.

۲- انتقالات نقدی یعنی جیره کودکان و صرفنظر کردن از دریافت هزینه خدمات اساسی

۳- پرداخت خاتمه خدمت و بازآموزی برای کارگران اخراجی در شرکت‌هایی که نمی‌توانند به هیچ وجه رقابت کنند.

۴- اشتغال در کارهای عمومی (برنامه‌های کار در برابر دریافت اعانه) با دستمزدهای متناسب برای تضمین هدف‌گیری نیازمندان واقعی.

ز) فرآیند برنامه کاهش فقر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و تدابیر ایمنی اجتماعی.

برنامه کاهش فقر و تسهیل رشد و اصلاحات تجاری در واقع بخشی از یک بسته سیاسی جامع است که با تعدیل اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری گسترده سروکار دارد. بر این اساس شبکه‌های ایمنی اجتماعی مکمل این برنامه خواهد بود. برنامه کاهش فقر باید به مشخص کردن گروه‌هایی بپردازد که می‌توانند از اصلاحات تجاری متضرر شوند. شبکه‌های ایمنی اجتماعی به این گروه‌ها کمک می‌کند. (۲۳)

۶- پرسش‌های کلیدی برای تشخیص اثر اصلاحات تجاری بر فقر برای اینکه سیاست‌گذاران اقتصادی بتوانند اثر اصلاحات تجاری بر فقر را شناسایی کنند، باید به یکسری پرسش در این مورد پاسخ دهند. آلن وینترز (۲۰۰۰) ده پرسش زیر را پیشنهاد کرده است:

۱- آیا اثر تغییر قیمت‌های مرزی در پیچه‌ای به بقیه اقتصاد است؟ سیاست تجاری و شوک‌ها در وهله اول از طریق قیمت‌ها عمل می‌کند. اگر تغییر قیمت‌ها منتقل نشود - مثلاً چون دولت‌ها علی‌رغم آزادسازی تجاری به تثبیت قیمت‌های داخلی کالاها ادامه دهند. اثر مستقیم بر فقر، چه مثبت یا منفی، خنثی خواهد شد.

۲- آیا اصلاحات تجاری دسترسی مصرف‌کنندگان فقیر به کالاهای جدید را افزایش می‌دهد؟

اثر مستقیم اصلاح تجاری بر فقر از طریق قیمت کالاها و خدماتی است که خانوارهای فقیر از آن تأثیر می‌پذیرند. بزرگ‌ترین شوک‌های قیمتی وقتی تحقق می‌یابد که یکی از دو قیمت اولیه یا نهایی معین است و دیگری نامعین می‌باشد (یعنی وقتی هیچ بازاری وجود ندارد). شوکی که یک بازار را از بین می‌برد - بازار یک محصول یا بازار نیروی کار - احتمالاً دارای پیامدهای عمده‌ای برای فقر است. به طور مشابه ایجاد فرصت‌های جدید یا کالاها و خدمات در دسترس فقرا می‌تواند تا حد زیادی رفاه فقرا را افزایش دهد.

۳- آیا اصلاح تجاری بر اعضای خانوارهای مختلف به طور متفاوت اثر می‌گذارد؟

درون یک خانوار، مطالبات مربوط به کالاهای خاص و موجودی‌های دارایی‌های خاص (نیروی کار) نوعاً به طور ناموزون توزیع می‌شود. ممکن است اثرات فقر بر اعضای خاص - معمولاً کشاورزان و کودکان که ممکن است بازنده باشند - متمرکز شود، حتی وقتی خانوار به طور جمعی برنده می‌شود.

۴- آیا سرایت‌ها بر زمینه‌ها و فعالیت‌هایی متمرکز شده است که با فقرا تناسب دارد؟

بخش‌های یک اقتصاد دارای پیوند با یکدیگرند و اگر قابلیت جایگزینی بالا باشد، شوک فوراً از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود. غالباً انتشار آنقدر گسترده خواهد بود که اثر اندکی بر هر بخش یا ناحیه خاص دارد. در اینصورت ضروری است بهر سیم که آیا اثرات دور دوم دارای پیامدهای جدی بر فقر است یا نه؟ ایجاد انگیزه در کشاورزی می‌تواند منافع قوی برای فقرا از طریق سرایت‌های مفید به ارمغان آورد.

۵- چه عواملی در بخش‌های تحت تأثیر، با شدت بیشتر استفاده شده‌اند؟

از رشد به فقر است. رشد لازم است قویاً گرایش پیدا کند به نفع فقرا قبل از آنکه احتمالاً فقر مطلق را بدتر کند. یک پاسخ به اثرات نامطلوب آزادسازی بر فقر این است که: بخش‌های خاصی یا محصولات معینی باید از آزادسازی تجاری استثنا شوند. در واقع تمامی کشورها دارای چنین استثنائاتی هستند (مثلاً کشاورزی در اروپا و پارچه در ایالات متحده). مداخله ایزوله شده در تجارت سودمند خواهد بود برای رفاه اقتصادی در جایی که برون زایی، شکست اطلاعات و شوک‌های تصادفی را می‌توان با مداخله مناسب بر آن غلبه یافت، اما باید مانع تصاحب آن توسط گروه‌های ذی نفع و لابی کردن برای مداخله شد. افزون بر ملاحظات کارایی، باید تشخیص دهیم که آزادسازی تجاری اقدامی سیاسی است که دولت‌ها باید حمایت سیاسی کافی را برای تداوم اصلاحات ایجاد کنند. در شیلی کالاهای کشاورزی خاصی حمایت ویژه دریافت کردند. بنابراین اگر محصولات خاص چه کالاهای مصرفی چه تولیدی بتواند به روشنی مشخص شود که بر فقر تأثیر نامطلوب دارد می‌تواند برای تعویق آزادسازی آن توجیه شود.

اما ملاحظاتی در این زمینه وجود دارد:

اول: در تعریف "فقر" که علاقمند به حمایت شدن هستند باید محاسبه قوی باشد.

دوم: محصولات باید دارای پیوند محکمی با فقرا باشد به منظور آنکه منافع توزیع شده حمایت از آن‌ها با زیان‌های کارایی در جاهای دیگر در اقتصاد خنثی نشود. کالاهای مربوط باید دارای اهمیت زیاد برای فقرا باشد، همیشه مواد غذایی در طرف مصرف و غالباً یک کالای کشاورزی در طرف تولید قرار دارد. سوم: برای اطمینان از اینکه اثرات مطلوب عملاً پدیدار می‌شود، نظارت لازم است.

چهارم: برنامه درازمدت برای کمک به کاهش وابستگی فقرا به مداخله دولت لازم است. در غیراینصورت مداخله فقط زمان را متوقف می‌کند که دورنمای اندکی از توسعه درازمدت ارائه می‌کند. استثنای موقتی کالاهای خدماتی که می‌تواند به روشنی در پیوند با فقرا باشد، پذیرفتنی است.

پنجم: انجام اصلاحات تجاری در میانه رکود احتمالاً منجر به بیکاری می‌شود. لذا در این موارد تعویق آزادسازی لازم است چون "زمان آماده نیست". بنابراین انجام آزادسازی تجاری در چند مرحله مطلوب است.

۴-۱- سیاست‌های جبرانی

اگر آزادسازی سبب فقر شود، در این صورت آیا می‌توان این اثر را مستقیماً خنثی کرد؟ کمک معمولاً حمایت موقتی است.

در مواردی که آزادسازی منجر به از دست رفتن مشاغل می‌شود، دولت می‌تواند بر آن اصرار کند و شاید به تأمین مالی پرداخت‌های زاید کمک کند. این پرداخت‌ها می‌تواند به بخشی از مردم کمک کند که از فقر اجتناب کند، اگر آن‌ها از پول‌شان با بهره‌وری استفاده کنند اما تضمین شده نیست که چنین کنند. علاوه بر آن پرداخت‌های زاید نوعاً پاداش خدمت گذشته است نه نیاز کنونی و لذا بخوبی هدف گیری شده برای کاهش فقر نیستند. سیاست‌های جبرانی عمومی شامل تورهای ایمنی^(۳۱) برای کاهش فقر از هر منبعی به طور مستقیم طراحی شده‌اند و مسأله شناسایی شوک را با وظیفه شناسایی فقرا جایگزین می‌کنند. آن‌ها تسهیل می‌کنند تعدیل را با تضمین برای فقرا که یک مینی‌موم وجود دارد. چنین برنامه‌هایی، مزایایی بر برنامه‌های تنظیم شده به طور خودکار دارند. اگر آستانه کمک‌ها بقدر کافی پایین تنظیم شده باشند، مسایل خطر اخلاقی اندک است و چون کاهش فقر در جهان، مسئولیت دولت است، بحث اندکی درباره مشروعیت این مداخلات وجود دارد.

هدفمند بودن یک مسأله اصلی برای تور ایمنی است، نه تنها از نظر فنی بلکه بخاطر اینکه طبقات متوسط غالباً بهتر از فقرا می‌توانند به تور ایمنی دست پیدا کنند. دوام برنامه‌های تور ایمنی مشکل دیگر است. شوک تجاری می‌تواند فشار مالی شدیدی بر این برنامه‌ها در زمان مورد نیاز وارد کند. روالیون (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند که پروژه‌هایی برای ایجاد کار دستمزدی اجرا شود و اینکه از جامعه‌های دارای وضع بهتر باید خواسته شوند تا پروژه‌ها را مشترکاً تأمین مالی کنند. کار دستمزدی باید تکمیل شود با برنامه‌های فراهم کننده غذا برای افرادی مانند سالخوردگان، کودکان (مانند برنامه غذا برای آموزش) و افراد ناتوان که نمی‌توانند کار کنند. این برنامه‌های مکمل می‌تواند طبق نیاز تنظیم شود، اما باید زیرساخت دایمی داشته و سریع هدف گیری کند. مخارج مربوط به تور ایمنی ضدچرخه‌ای^(۳۲) است و لذا تعهد جدی دولت لازم است برای تضمین اینکه در زمان‌های بیشترین نیاز، پول تمام نمی‌شود. مثال تور ایمنی خوب، بنگلادش است. اما تور ایمنی در زامبیا و زیمبابوه که در حال حاضر اجرا می‌شود آنقدر ضعیف اجرا شده است و آنقدر بودجه کمی دارد که نمی‌تواند کمک جدی به بازندگان ناشی از آزادسازی تجاری کند.

برقراری تور ایمنی تنها راه مقابله با افزایش فقر ناشی از آزادسازی تجاری نیست، بلکه بخش مهمی از راه حل است. تور ایمنی عموماً بهتر هدف گیری می‌شود با سیاست‌های دیگر و علاوه بر آن نیروهای بازار را خیلی مختل نمی‌کنند. کشورهایی که هم اکنون تور ایمنی ندارند، باید آن‌ها را به عنوان بخشی از برنامه آزادسازی تجاری که می‌تواند فقر کوتاه‌مدت ایجاد کند، برقرار نمایند.

۴-۲- سیاست‌های مکمل برای کارکرد بهتر بازارها

یک موضوع مربوط به اثرات آزادسازی تجاری بر فقر، کارکرد بازارها است. آزادسازی تجاری باید با نظارت همراه شود.

مهم‌ترین سیاست‌های مکمل برای کارکرد بهتر بازارها عبارتند از:

۴-۲-۱- حمایت از زیرساخت

اگر زیر ساخت لازم وجود نداشته باشد، فرصت‌های بالقوه برای تولیدکنندگان فقیر برای نفع بردن از رژیم تجاری بازتر از دست می‌رود. در زیمبابوه و زامبیا، کشاورزان دور دست دریافتند که با ناتوانی برای دستیابی به مراکز بازار اصلی، فرصت‌های شان محدود شده است. از سوی دیگر بسیاری از منافع ناشی از کاهش مقررات خرده فروشی و از دسترسی به کالاهای جدید یا ارزان تر محدود به مناطق شهری و اطراف شهر است.

۴-۲-۲- نهادهای بازار

فقر اغلب قادر نیستند بازار ایجاد کنند یا آنرا حفظ کنند. لذا ایجاد بازار باید از برنامه‌های مکمل باشد. یک جنبه از تسهیل مشارکت فقرا در بازارها می‌تواند یافتن ابزارهای باشد که هزینه‌های مبادله تولیدکنندگان فقیر را کاهش دهد. در زیمبابوه نمونه موفقی از این سیاست در منطقه هورتیکالچرال اجرا شد. در نتیجه خانوارهای زیادی در حال تبدیل به تولیدکنندگان محصولات اصلی هستند. این در وهله اول نتیجه برنامه‌های "رشد سریعتر" و نتیجه منبع یابی یا انعقاد قرارداد فرعی با مزارع تجاری در مقیاس بزرگ است. شورای توسعه هورتیکالچرال برآورد کرده است که حدود ۳۰۰۰ کشاورز کوچک اکنون تقریباً ۱۰ درصد صادرات زیمبابوه را تشکیل می‌دهد.

۴-۲-۳- بازارهای اعتباری

در اقتصاد توسعه مطرح می‌شود که بازارهای اعتباری گمشده مانع